

سرعت غیرمجاز دوباره قربانی گرفت

یک قربانی در پی واژگونی کامیون

عبرت

پناه به لانه شیطان

صدیقی- همه چیز با یک نگاه گناه آلود و لیخنه شیطانی شروع شد و با آه، اشک و پشیمانی به پایان رسید. دختر قریب و نیش خورده از پسر گرگ صفت در راهروی دادگاه خانواده ادامه می‌دهد: آپرویم، آزادی‌ام و آینده‌ام را با پاسخ به یک نگاه هوس آلود از دست دادم. درست است که خودم مسبب این بی‌آبرویی بودم اما در واقع مقصر اصلی پدر و مادرم بودند که مدام با هم جنگ و جدل داشتند و هیچ کدام به من توجه و محبتی نمی‌کردند. چند دوست مدرسه‌ای داشتیم اما خیلی با آن‌ها درددل نمی‌کردم چرا که از انگشت نما و مسخره شدن از سوی آن‌ها در مدرسه هراس داشتم. روزی در مسیر مدرسه، موتورسواری جوان مدتی من را تعقیب کرد و زمانی که دیدم دست بردار نیست دلیل کارش را پرسیدم که با لیخنه از من عذرخواهی کرد و با دادن شماره تلفن خودش از من دور شد. تا مدتی دهنم در گیر پسر غریبه بود تا این که دوباره پدر و مادرم سو موضوعی با هم درگیر شدند و مادرم بعد از کتک خوردن از خانه بیرون و پیش پدر بزرگم رفت. بدجور از این اتفاق ناراحت شدم و احساس تنهایی می‌کردم. داخل اتاقم رفتم، در یک لحظه چشمم به شماره تلفن پسر غریبه خورد و بی‌درنگ برای خلاصی از این وضعیت و برای درد دل با پسر غریبه تماس گرفتم. پسر حقه باز و چرب زبان بعد از شنیدن ماجرای پیش آمده خودش را ناجی و قهرمان زندگی‌ام معرفی کرد. بعد از شنیدن این جملات به ظاهر محبت آمیز تا صبح خوابم نبرد تا این که روز بعد در مسیر مدرسه پسر غریبه سر راهم سبز شد و برای مدتی با هم همکلام شدیم. نمی‌دانم چرا خیلی زود به او اعتماد کردم . او به من قول داد که بعد از مدتی برقراری رابطه پنهانی برای بهتر شناختن یکدیگر به خواستگاری‌ام خواهد آمد. مدتی ماجرا به این منوال گذشت تا این که پسر غریبه روزی با من تماس گرفت و گفت که به خانه اش بروم و برای زندگی مان تصمیم بگیریم. اول دودل شدم اما او با چرب زبانی من را قانع کرد که مشکلی پیش نمی‌آید. من با اعتماد بی‌چایم وارد لانه شیطان شدم. بعد از گذشت چند لحظه پسر غریبه همچون حیوان وحشی به من حمله ور شد تا من را مورد آزار قرار دهد. من با داد و فریاد توانستم خودم را از دست او رها کنم و با سر و وضع نامناسب خودم را به بیرون از خانه رساندم. بعد از این اتفاق شوم همه چیز را به پدرم گفتم و بعد از کتک خوردن و تاسار نشنیدن از سوی او به دادگاه خانواده آمدم ایم تا از دست این پسر گرگ صفت شکایت کنیم.

سقوط به باتلاق نکبت با ارا به فرضی شادی

صدیقی

حال و روز و چهره مناسبی به خاطر اعتیادش ندارد. صورتش استخوانی شده و گونه‌هایش به زردی گراییده است و دندانهای هم در دهان ندارد. اشک می‌ریزد و می‌گوید که اعتیاد، همسر و جوانی‌اش را از او گرفته و حتی آینده‌تنها فرزندش را هم به لیه پرتگاه کشانده است. بعد از کشی و قوس‌های فراوان حالا به جنگ با هیولای مواد افیونی برخاسته تا روزهای باقی مانده عمرش را به دور از هرگونه آلودگی سپری کند یا حداقل برای تنها فرزندش مادری قابل قبول باشد. گفت و گوی خبرنگار ما را با این زن جوان معتادی خوانید.

چند وقت است در کمپ هستید؟ سابقه کیفری هم داشتید؟

دو هفته ای می‌شود که به خاطر مصرف مواد صنعتی از نوع کریستال و شیشه این جا هستم. سابقه کیفری هم دارم. روزی برای خرید مواد بیرون رفته بودم و در زمان برگشت به خانه یک سروس در بست گرفتم. نزدیک خانه می‌خواستم از راننده زورگیری کنم که مقاومت کرد. وقتی اوضاع را علیه خودم دیدم با ایجاد سر و صدا از همسایه‌ها کمک خواستم و به آن‌ها به دروغ گفتم که راننده قصد تعرضی به من را داشت و به خاطر همین آن‌ها به شدت او را کتک زدند. بعد از این ماجرا به خاطر زورگیری و ضرب و شتم راننده به زندان افتادم.

چه شد که به سمت اعتیاد کشیده شدید؟

بعد از ازدواج متوجه اعتیاد شوهرم شدم. هر بار برای اعتیادش اعتراض می‌کردم به بهانه‌های مختلف از جمله این که مواد را داخل کوچه پیدا کرده است به مصرف آن ادامه می‌داد. بعد از فوت مادرم، پدرم ازدواج مجدد کرد. نامادری‌ام از نظر فکری و عقلی نرمال نبود به همین دلیل از طریق دادگاه سرپرستی نوزادش را برعهده گرفتم و تا ۶سالگی او را پیش خودم نگه داشتم. پدرم بعد از این سال‌ها به بهانه این که پیر و ناتوان شده و دخترش می‌تواند عسای دستش باشد دختر بچه‌ا را

از من گرفت. بعد از این اتفاق خیلی از نظر روحی و روانی به هم ریختم. خواهر شوهرم که به کریستال اعتیاد داشت به بهانه این که یک شب هزار شب نمی‌شود از من خواست برای فراموش کردن این ماجرا کریستال مصرف کنم. من هم قبول کردم و با ادامه این ماجرا در دام اعتیاد گرفتار شدم.

هزینه موادتان را از کجا تامین می‌کردید؟

اوایل طلاها و پس اندازی را که داشتم صرف تهیه مواد کردم اما بعد از مدتی وقتی دیدم چیزی در بساط ندارم به پیشنهاد خواهر شوهرم با هم دست به سرقت زدیم. هر هفته با خواهر شوهر و پسر نوجوانش به بازار می‌رفتم و به بهانه خرید لباس بچه اجناس را به هم می‌ریختم و زمانی که حواس فروشنده پرت می‌شد لباس سرقتی را به پسر خواهر شوهرم می‌دادیم و او هم سریع از محل دور می‌شد. به دفعات مختلف این کار را ادامه می‌دادم و مشکلی هم پیش نیامد. به دلیل این که پسر خواهر شوهرم اعتیاد داشت هیچ اعتراضی در مورد سرقت و همکاری با ما نداشت. شوهرم هم به خاطر این سرقت‌ها اعتراضی نداشت چون با پول سرقت لباس‌ها موادش را تامین می‌کرد.

چرا اعتیادتان را کنار نمی‌گذاشتید تا به خاطر آن دست به سرقت نزندید؟

هر بار که خواستم اقدام کنم اتفاقی می‌افتاد و به سوی مواد کشیده می‌شدم. بعد از این که به خاطر زورگیری و کتک کاری فرد غریبه به زندان افتادم اعتیادم را ترک کردم. زمانی که در زندان بودم شوهرم به همراه پسر برای زندگی به شهر دیگری رفته بودند . وقتی از زندان آزاد شدم پیش آن‌ها رفتم. در شهر غریب و تنها مانده بودم. شوهرم قرض متادون مصرف می‌کرد و من هم به مصرف متادون روی آوردم. بعد از گذشت مدتی شوهرم به خاطر مصرف مواد دچار یک بیماری لاعلاج و خانه نشین شد. هزینه مخارج زندگی به گردن من افتاد و به عنوان نیروی خدماتی مشغول به کار شدم تا این که بعد از چندین ماه شوهرم فوت کرد و به ناچار به تنها پسرم نزد پدر و مادرم برگشتم. دوباره

به علت شدت جراحات وارد شده فوت کرد. کارشناسان پلیس راه بجنورد تخطی از سرعت مطمئنه را علت بروز این حادثه تشخیص دادند. رئیس پلیس راه بجنورد با اشاره به لغزنده بودن جاده‌های استان به دلیل بارش باران از هم استانی‌ها خواست به طور حتم سرعت مطمئنه را هنگام رانندگی رعایت کنند تا دیگر شاهد

وقوع حوادث مشابه نباشیم. بر اساس گزارش پلیس راه استان، واژگونی بر اثر تخطی از سرعت مطمئنه یکی از ۳ علت اصلی تصادفات مرگبار در جاده‌های استان طی امسال بوده است. در ۹ ماه ابتدایی امسال ۲۰۷ نفر بر اثر وقوع ۱۶۲ فقره تصادف مرگبار در جاده‌های استان جان باختند.

اخبار

مرگ مشکوک یک مرد

مردی در روستای نیش کیش اسفراین بر اثر اصابت گلوله اسلحه تک لول جان باخت.

به گزارش خبرنگار ما، براساس شواهد اولیه این مرد خودکشی کرده است اما علت و انگیزه آن در دست بررسی است. روستای نیش کیش در روز وقوع این حادثه شاهد ۲ حادثه دیگر نیز بود. آتش سوزی یک مغازه با حریق یخچال و آتش سوزی پمپ باد یک مینی آپارات ۲ حادثه دیگری بود که در این روستا رخ داد.

کشف ۲۶۷ عدد مواد محترقه غیر مجاز

۲۶۷ عدد مواد محترقه غیرمجاز در گرمه کشف و ضبط شد. براساس اعلام فرماندهی انتظامی گرمه در راستای اجرای طرح تشدید مقابله با قاچاق مواد محترقه و پیشگیری از فعالیت مجرمانه در رابطه با خرید، فروش و توزیع این مواد، مأموران در عملیاتی موفق به کشف این تعداد مواد محترقه غیرمجاز در فروشگاه‌های در این شهرستان شدند. سرهنگ «حدادیان» فرمانده انتظامی گرمه از جدیت و تلاش مضاعف پلیس در مسیر پیشگیری از آسیب‌ها و حوادث استفاده از مواد محترقه خبر داد و گفت: والدین می‌توانند نقش مهمی در جلوگیری از خطرات احتمالی در چهارشنبه سوری داشته باشند.

خاتمه یک نزاع دسته جمعی با شلیک گلوله

در پی استفاده از اسلحه در یک درگیری در اسفراین یکی از افراد درگیر در این نزاع بر اثر اصابت گلوله راهی بیمارستان شد. به گزارش خبرنگار ما، این حادثه در پی درگیری ۴ نفر از روستاییان رخ داد.

سقوط به باتلاق نکبت با ارا به فرضی شادی

شوهرم به کمپ ترک اعتیاد آمدم تا خودم را از هر چه دود و آلودگی است رها کنم و حداقل در بقیه عمرم بتوانم یک مادر خوب برای تنها فرزندم باشم تا او در آینده گرفتار سرنوشت تاریک و سیاه من یا پدرش نشود.

خواهر شوهرم که به کریستال اعتیاد داشت به بهانه این که یک شب هزار شب نمی‌شود از من خواست برای فراموش کردن این ماجرا کریستال مصرف کنم

بعد از مدتی با مردی ازدواج کردم. شوهر دومم اعتیادش را ترک کرده بود و تنها قرض مصرف می‌کرد. به خاطر فوت همسر اولم دوباره به مصرف کریستال روی آوردم. زمانی که خمار می‌شدم تمام خانه را به هم می‌ریختم و شوهرم را مجبور می‌کردم که برابم مواد تهیه کند و او به ناچار قبول می‌کرد. هر بار خانواده شوهرم من را تحت فشار قرار می‌دادند که حداقل مواد سنتی مصرف کنم اما من به غیر از کریستال و شیشه به مصرف چیز دیگری قانع نبودم و برای همین این ماجرا ادامه داشت تا این که پسرم از من خواست اعتیادم را ترک کنم. زمانی که غرق در اعتیاد بودم اصلا به فکر درس و آینده پسرم نبودم. حتی صبح‌ها که پسرم من را از خواب بیدار می‌کرد تا برای مدرسه اش خوراکی یا لقمه نانی بگذارم به شدت او را کتک می‌زدم. مدام در حال چرت و خماری بودم به خاطر همین پسرم گرسنه به مدرسه می‌رفت و گرسنه هم بر می‌گشت. به غیر از تخم مرغ و یک تکه نان خشک و ماست ساده چیز دیگری نداشتیم که به پسرم بدهم و تنها خوراک اعیانی ما بادمجان و تن ماهی بود که هر چند وقت یک بار مصرف می‌کردیم. زمانی که مدرسه از پسرم می‌خواست برای گرفتن کارنامه اش به آن جا بروم او به بهانه‌های مختلف به دروغ به مدرسه می‌رفت و زمانی که من سر کار یا در شهرستان هستم و نمی‌توانم به مدرسه بروم. حتی پسرم از من می‌خواست که به هیچ عنوان اطراف یا داخل مدرسه آن‌ها نروم چون او پیش دوستانش خجالت می‌کشید که مادرش معتاد و ظاهری ناخوشایند دارد. از طرفی وقتی می‌دیدم که هیچ کس از قایل حاضر نیست با ما رفت و آمد کند به پیشنهاد پسر و



فروش عیجانه

مبل‌های

المنفردی

فقط با **۵ هزار** تومان روزی

اقساط تا سقف **۳۰ ماه**

شیروان، نبش پل کشاورز ۳۶۲۳۲۵۴۷

تعویض مبل کهنه با نو

مجموعه مبلمان آسیا و فرش، لوستر و لوازم خانگی احمدی

بدون پیش پرداخت بدون سود و کارمزد حمل به سراسر استان به صورت رایگان

تعویض مبل کهنه با نو

با اقساط ۲۰ ماهه

حکمت کارت نیروهای مسلح پذیرفته میشود

بجنورد: حدفاصل میدان شهید و چهارراه ۱۷ شهریور

روبروی بیمه مرکزی ایران، مبلمان آسیا

مدیریت: عباس احمدی ۰۹۱۵ ۴۵۵ ۸۱۵۶

حمید ایزانلو ۰۹۱۵ ۷۹۹ ۴۱۶۰

۰۹۲۳۱۹۳۳/۰